



گونه شناسی روایات تفسیری امام صادق

علیه السلام

دکتر حسین خاکپور

استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان

چکیده

امام صادق علیه السلام به عنوان صاحب مکتب جعفری، احادیث بسیاری از خود بر جای نهاده‌اند. جمع قابل توجهی از آنها در میان روایات تفسیری اهل سنت نمودی خاص یافته و به گونه‌های مختلف ظهور و بروز کرده‌اند. این روایات، گاه بیانگر جایگاه قرآن و فرازمنندی عترت است و گاه حکمی از احکام شریعت را بیان می‌دارد، زمانی گوشه‌ای از تفسیر قرآن را بر جویندگان حقیقت می‌نمایاند و گاه در بستر تقیه صادر شده است.

مقاله حاضر اقسام روایات این امام همام را در منابع تفسیری اهل سنت به تصویر می‌کشد و ضمن گونه‌شناسی و بیان روشهای تفسیری امام، نشان می‌دهد که روایات بی بدیل بنیانگذار مکتب علوی به این کتابها جلوه‌ای خاص بخشیده و در آنها جایگاه ویژه‌ای دارد.

کلید واژه‌ها: امام صادق علیه السلام، تفسیر، روایات تفسیری، اهل سنت.

مقدمه:

امام صادق علیه السلام پایه گذار مکتب جعفری است که حجم عظیمی از روایات به این بزرگوار اختصاص دارد. آن امام همام با توجه به ظرفیت علمی افراد، توانایی و استعداد آنها، در راه تعالی اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله از شیوه‌های مختلفی بهره برده‌اند.

وجود تفکر مبتنی بر حذف اهل بیت علیهم السلام که از همان ابتدا اندیشه غالب به حساب می‌آمد، در تفسیر و فهم مفاهیم قرآن، فقه و ... صحابه را مرجع اصلی خود قرار داد و این مرجع جعلی به علت عدم برخورداری از ملاک و میزان معین به مرور زمان سبب بروز مشکلات فروانی برای جوامع اسلامی شد، این روند بغرنج و مصیبت بار قرن‌های متمادی بر وادی اسلامی سایه افکند و چتر خود را بر جهان اسلام گسترانیده بود. بزرگان چنین تفکری با حذف ظاهری اهل بیت اقدام به مرجع تراشی نمودند، به جعل و تحریف احادیث دست یازیدند؛ اما وارثان حقیقی قرآن هر فرصتی را مغتنم دانسته و با تربیت شاگردان سعی در ترویج اسلام واقعی نمودند، در گذر زمان عده‌ای از علمای اهل سنت متوجه این حرکت مخالفان قرآن و عترت شدند و سعی نمودند با آوردن احادیث آن بزرگواران -آنهم در شرایط خفقان- قدری از این مصیبت بکاهند. با این بیان، ضرورت توجه به موضوع حاضر دو چندان می‌نمایند؛ زیرا هنوز هم بر بسیاری از پویندگان احادیث خاندان عصمت و طهارت پوشیده است که آیا این بیانات در روایات تفسیری اهل سنت نمود خاصی داشته یا اینکه چه مقدار نقل شده است؟

امام صادق علیه السلام به عنوان وارث علم نبی صلی الله علیه و آله و از سلاله پاک خاندان عصمت و طهارت و به استناد حدیث تقلین به مثابه مبین قرآن است. در این حدیث قرآن و عترت دو ثقل خوانده شده‌اند که عترت، عدل کتاب خداست و حضوری

جاودانه در کنار آن دارد، این دو هیچ‌گاه از هم جدا نمی‌شوند تا در کنار «حوض» بر رسول خدا صلی الله علیه و آله فرود آیند. ابن حجر هیتمی در چرایی این تسمیه می‌گوید: «ثقل شی‌گرانبها و مخاطره آمیز است که از هرگونه اشتباه در امان است و قرآن و عترت این گونه‌اند؛ زیرا هر کدام از آن دو معدن علوم الهی، سرچشمه اسرار و حکمت‌های عالی و منبع احکام شریعت‌اند، به همین سبب پیامبر صلی الله علیه و آله مؤمنان را به اقتدار و تمسک به آنها و دریافت علوم از آنها فرا خوانده است»^۱ با این بیان گونه‌های روایت تفسیری این امام همام - در مصادر اهل سنت - را در هشت بخش بیان می‌کنیم.

۱. قرآن از دیدگاه امام صادق علیه السلام

پاره‌ای از روایات تفسیری این امام به توصیف و بیان خود قرآن می‌پردازد که امام علیه السلام در سخنان خود به نقش و فرازندی قرآن اشاره می‌کند. این گونه احادیث به دو شکل ماثور و غیر ماثور قابل مشاهده است.

۱-۱. روایاتی که امام به طریق غیر ماثور بیان فرموده‌اند:

مقصود روایاتی است که امام بدون اسناد کلام به پدران بزرگوار خویش یا رسول خدا، مطلبی را در فرازندی قرآن نقل می‌کنند، به عنوان نمونه: امام جعفر بن محمد علیه السلام می‌گوید: «خدای تعالی جمع کرده است معانی کتب منزل همه در قرآن».^۲ ایشان در چرایی ملال آور نبودن قرآن می‌فرمایند:

«زیرا قرآن برای تمام روزگاران حجت است (اول و آخر) لذا هر گروه آن را تر و تازه می‌یابد و هرگاه در قرآن اندیشه می‌کند علوم تازه‌ای در آن می‌یابد و این در شعر و خطابه نیست».^۳



همچنین فرمودند. «القرآن نصفه فینا و نصفه فی عدونا و الذی فی عدونا فهو فینا»^۴ قرآن نصفش در مورد ماست و نصف آن درباره دشمنان ماست و آنچه درباره دشمنان ماست در حقیقت درباره ماست. (با حب اهل بیت است یا بغض اهل بیت و تمام آن به نحوی به اهل بیت مربوط است)، شهرستانی این حدیث را در تأیید قول خودش می-آورد که تمام قصص قرآن ذکر دو فرقه مؤمن و کافر و نیکان و بدان است.

۱-۲. روایاتی که امام صادق علیه السلام به طریق مأثور نقل می نمایند:

در این موارد امام کلام خود را مستند به سخن پدران بزرگوارشان یا رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند، به عنوان نمونه، امام از رسول خدا نقل می کنند که ایشان خطبه خواند و فرمود: راستگوترین سخن قرآن و بهترین هدایت، هدایت محمد است»^۵

۲. عترت از دید امام

امام صادق علیه السلام در کنار گفتار شیوا و فصیح خویش گاه پرده از حقایق الهی برداشته و به جایگاه واقعی اهل بیت عصمت و طهارت - در ذیل آیات قرآن - اشاره می کنند، ایشان با بیان آیات الهی مردم را به این حقیقت متذکر می شوند که عترت و قرآن همیشه در کنار هم هستند و اهل بیت، قرآن ناطقند و هر کس به آنها تمسک جوید، هیچ گاه گمراه نمی شود. امام با این بیان می رسانند که خاستگاه پیدایش اندیشه-ها و نگرش های ائمه اطهار این کتاب آسمانی است. در ذیل نمونه هایی از این گونه روایات را می آوریم:

الف) در تفسیر ثعلبی از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند: «نحن حبل الله الذی قال الله: ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾». ما ریسمان خدا هستیم که خداوند فرمود به آن چنگ زنید و متفرقه نشوید»^۶

ب) قندوزی حنفی ذیل آیه ﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾ از امام صادق علیه السلام روایت نموده که ایشان فرمود: «کل امام هادٍ لکل قوم فی زمانهم»^۷ هر امامی برای قوم زمان خودش هادی است.

شهرستانی در مقدمه تفسیر خود روایتی از امام صادق علیه السلام نقل نموده که تصریح می‌کند اهل بیت حجت خدا و اماناء خلق هستند و حلال و حرام آنها از کتاب خداست. سدیر صیرفی می‌گوید جانم به فدایت: شیعه در مورد شما اختلاف نموده: عده‌ای می‌گویند در گوشه‌هایش ندا داده می‌شود. عده‌ای می‌گویند وحی می‌شود و دیگران می‌گویند در قلبش افکنده می‌شود و برخی می‌گویند در خواب می‌بیند و بعضی می‌گویند با کتابهای پدرانشان فتوی می‌دهند. جانم به فدایت کدام جواب را بگیریم؟ امام فرمود: از اینها هیچ کدام را مگیر، ای سدیر ما حجت خدا بر زمین هستیم، اماناء او بر خلقش. حلال و حرام ما از کتاب خدا است.^۸

با تأمل در این گونه روایات در می‌یابیم که اهل بیت به عنوان جانشینان رسول خدا رسالت هدایت و ارشاد مردم را بر عهده دارند. آنها چراغ راه هدایت مردم‌اند و جستجوگران حقایق الهی را از چشمه‌سار زلال بیت نبوی آگاه می‌سازند آن جایی که چشمی برای دیدن و گوشی برای شنیدن باشد.

۳. روشها و گونه‌های تفسیری

جمع قابل توجهی از روایات تفسیری امام به تبیین آیات قرآن اختصاص دارد، این تبیین به شیوه‌ها، گونه‌ها و روش‌های مختلفی انجام پذیرفته که روش‌شناسی آنها کمک شایانی در فهم روش معصوم در تبیین آیات قرآن دارد. اهل بیت عصمت و طهارت - به عنوان حاملان و وارثان قرآن - مهم‌ترین و ارزشمندترین تفسیرها را پس از پیامبر



صلی الله علیه و آله بیان داشته‌اند، در میان این روایات، سخنان امام صادق علیه السلام جایگاه خاصی دارد.

شهرستانی درباره امام صادق علیه السلام می‌گوید:

خداوند با کتابش قرآن برای بندگانش تجلی می‌کند و این را از کلمات جعفر بن محمد الصادق بهشت و سلام خدا بر آن دو باد، می‌توان فهمید.^۹ او طریق امام صادق علیه السلام را در تفسیر طریق سلامت و علم ایشان را علم الهی می‌داند.^{۱۰}

لازم است یادآوری شود، مقصود از روش تفسیری: امری فراگیر است که مفسر، آنها را در همه آیات به کار می‌گیرد و آن عبارت از منابع و مستندات تفسیر است^{۱۱} با توجه به اینکه منابع پیش گفته بسته به مبانی فکری هر مفسر متفاوت است، منظور نگارنده در این اثر روایات تفسیری امام صادق علیه السلام به لحاظ روش‌شناسی و شیوه بهره‌گیری از این منابع در تفسیر است، که نمونه‌هایی ذکر می‌شود.

۳-۱. تفسیر با استفاده از بیان واژه‌ای (تفسیر لغوی)

شماری از روایات تفسیری امام صادق علیه السلام به شکلی است که در تبیین آیات تنها واژه‌ای یا برخی واژگان را معنی نموده‌اند. این روش غالباً در جایی به کار رفته است که ظاهر آیه روشن به نظر آمده و گویی مخاطب نیازی به توضیح بیشتر نداشته است، در واقع این گونه روایات حکم ترجمه کلمه را دارد.^{۱۲}

در حدیثی از امام صادق علیه السلام ذیل آیه ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ﴾ (حجر: ۷۶) معنی «متوسمین» را تیزهوشان و نازک بینان دانسته‌اند^{۱۳} که البته در احادیث دیگری مصداق اتم آن را اهل بیت معرفی نموده‌اند.

۳-۲. تفسیر با استفاده از روش ماثور

از تفسیر قرآن در پرتو روایات رسیده از معصومان با عنوان تفسیر روایی، نقلی و گاه اثری یاد می‌کنند.^{۱۴} در تفسیر کلام خدا سنت از جایگاه خاصی برخوردار است؛ زیرا پیامبر بیش از هر فرد دیگری به تفصیل مجمل و بیان مشکلات کتاب خدا آگاه است.^{۱۵} در این روش امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه از احادیث پدران بزرگوار خود و رسول خدا استفاده می‌کند خواه آن اثر و یا نقل آیه دیگری از قرآن باشد یا اینکه کلام معصوم باشد.

در مناقب خوارزمی ذیل آیه ﴿وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ﴾ (اعراف: ۱۸۱) چنین آمده: امام جعفر صادق از پدران خود از علی علیه السلام روایت کرده‌اند: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: یا علی مَثَلُ تو در امتم مثل عیسی بن مریم است که قوم او سه فرقه شدند، گروهی مؤمن آنها حواریون بودند، گروهی دشمن عیسی، آنها یهود بودند و فرقه‌ای غلو کردند و از دین خارج شدند، آنها جماعت نصاری بودند. امت من به زودی نسبت به تو سه فرقه می‌شوند عده‌ای پیرو تو و تو را دوست دارند، آنها مؤمنین هستند، دسته‌ای دشمن تو (ناکثین، مارقین، قاسطین)، دسته‌ای در تو غلو کرده و گمراه شوند.^{۱۶}

ذیل آیه ﴿إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ﴾ (انبیاء: ۱۰۰) امام جعفر صادق علیه السلام از پدران بزرگوارشان نقل می‌کنند که علی علیه السلام گفت رسول خدا به من فرمود: «این آیه درباره شما نازل شده است».^{۱۷}

گفتنی است تقریباً در تمام روش‌های تفسیری امام صادق علیه السلام گاه امام مستقیم حدیثی را نقل می‌کنند و گاه آن را با سند پدران بزرگوارشان می‌آورند.



۳-۳. روش تفسیر قرآن به قرآن

مقصود از تفسیر قرآن به قرآن این است که: هر آیه به کمک و استعانت از آیات دیگر تفسیر شود؛ زیرا برخی آیات مبین آیات دیگر هستند، این شیوه هم زمان با نزول آیات، آغاز و تا کنون ادامه یافته و مفسران به آن اهتمام داشته‌اند، برخی از اندیشمندان آن را شریف‌ترین و کارآمدترین نوع تفسیر دانسته‌اند.^{۱۸}

یکی از اسلوب‌های ویژه که امام صادق علیه السلام برای آشکار نمودن معانی و کشف حقایق آیات و حیانی به کار برده‌اند، روش تفسیر قرآن به قرآن است. در این روش هر آیه‌ای به وسیله آیات هم لفظ و هم محتوا کشف و دریافت می‌شود.

الف) از امام صادق علیه السلام (از پدران بزرگوارشان) نقل شده که شخصی از «هدی» (قربانی) سؤال کرد که شامل چه حیواناتی می‌شود و امام با توجه به آیات ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ﴾ و ﴿وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِّنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ﴾ و ﴿مِّنَ الضَّأْنِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعْزِ اثْنَيْنِ﴾ بیان فرمودند که قربانی باید از ۸ حیوان نام برده شده باشد.^{۱۹}

ب) از امام صادق علیه السلام روایت شده که ایشان با توجه به آیات: ﴿لئن شكرتم لأزيدنكم﴾، ﴿استغفروا ربكم ثم توبوا إليه يرسل السماء عليكم مدرارا﴾ و «لا حول و لا قوة الا بالله» شکر نعمتهای خدا را باعث فزونی و «لا حول و لا قوة الا بالله» را کلید هر گشایشی می‌دانند.^{۲۰}

ج) امام صادق علیه السلام در روایت دیگری توبه را شرط قبولی عبادت دانسته‌اند؛ زیرا خداوند در قرآن توبه را بر عبادت مقدم دانسته‌اند «التائبون العابدون»^{۲۱}



۳-۴. تفسیر از راه بیان مصداق آیه (جری و تطبیق)

«جری» در لغت به معنای روان شدن و جریان داشتن است.^{۲۲} این معنا تعبیری است که خود ائمه برای بیان استمرار قرآن در همه زمان‌ها به کار برده‌اند و مراد از آن انطباق الفاظ و آیات قرآنی بر مصادیقی غیر از مورد نزول آنها است، یعنی از مخاطبان اولیه خود تجاوز کرده و بر افرادی که در قرن‌های بعد می‌آیند، منطبق می‌شود.^{۲۳} بیان مصداق آیه یعنی تطبیق آیه بر وجودهای عینی و خارجی یکی دیگر از مواردی است که در روایات تفسیری امام صادق علیه السلام به چشم می‌خورد. در این روش امام، گاه مصداق خاص آیه را بیان کرده‌اند و گاه مصداق اتم آیه و گاهی هم به ذکر یکی از مصادیق آن بسنده نموده‌اند.

الف) حاکم حسکانی ذیل آیه ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ...﴾ (قصص: ۵) روایت می‌کند: عن المفضل بن عمر قال:

سمعت جعفر بن محمد الصادق يقول: ان رسول الله صلى الله عليه وآله نظر الى علي و الحسن و الحسين فبكي، قال: انتم المستضعفون بعدى «قال المفضل: فقلت له: ما معنى ذلك يا بن رسول الله و قال: معناه انكم الائمه بعدى ان الله تعالى يقول: «و نريد ان نمن ... فهذه الايه فينا جاربه الى يوم القيامة»^{۲۴}

از جعفر بن محمد الصادق علیه السلام روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی، حسن و حسین علیهم السلام نگاه کرده، گریه نمود و سپس گفت: شما پس از من «مستضعف» هستید، مفضل پرسید، پس معنی آیه چه می‌شود، رسول خدا گفت: معنایش این است: شما ائمه پس از من هستید، خداوند می‌گوید: «و نريد ...» این آیه تا روز قیامت در مورد ما جاری و ساری است.

ب) طبری ذیل آیه ﴿فَاتْلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ﴾ (توبه: ۱۲۳) حدیثی روایت می‌کند که در آن امام کارزار با دیلمیان را از مصادیق آیه می‌داند.^{۲۵}



ج) آلوسی ذیل آیه ﴿فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ﴾ می گوید: بعضی از امامیه از مسیرین عبدالعزیز از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده اند که ایشان فرمود: «ظالم لنفسه» کسی است که حق امام را نشناسد و «المقتصد» عارف به حق امام است و «السابق» امام است و از زیاد بن منذر روایت شده که امام در حدیث دیگری مصادیق آن را چنین بیان نمود. «الظالم لنفسه» کسی است که عمل صالحی انجام دهد سپس عمل سیئه ای انجام دهد و «المقتصد» عابد مجتهد است و «السابق» علی، حسن و حسین علیهم السلام هستند و هر کس از آل محمد کشته شود، شهید شده است.^{۲۶}

د) در تفسیر ثعلبی از امام صادق علیه السلام روایت شده ماییم «حبل الله» که خدا فرمود: به آن چنگ زنید و متفرق نشوید.^{۲۷}

ح) امام در روایت دیگری مصداق «اولو الامر» را ائمه اهل بیت علیهم السلام دانسته اند.^{۲۸}

این شیوه در سخنان گوهر بار امام صادق علیه السلام به فراوانی مشاهده می شود که به همین اندک بسنده می کنیم.

۳-۵. استفاده از تشبیه و تمثیل در تفسیر آیه:

تشبیه از ارزنده ترین و برترین نوع بلاغت است. تشبیه در لغت به همان معنی تمثیل است و در اصطلاح پدید آوردن مماثلت و مشارکت حداقل میان دو شیء در یکی از اوصاف و ویژگی هاست و هدف آن اظهار مشکل ترین مطالب در قالب روشن ترین عبارات و خارج ساختن آن از ابهام به مرحله روشنایی و وضوح است.^{۲۹}

روایت شده: از امام صادق علیه السلام درباره آیه ﴿يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ﴾ سؤال شد امام فرمود «تبدل خبزه یا کل منها الخلق يوم القيامة»^{۳۰} در آن روز زمین تبدیل به نانی پاکیزه گردد که مردم از آن می‌خورند» امام در این حدیث با تشبیهی ساده به تفسیر آیه می‌پردازند.

۳-۶. تفسیر از راه بیان حقیقت خارجی (تأویل)

در این شیوه امام تأویل آیه را بیان می‌کنند که در آن واقعیت خارجی آیه یا یکی از این واقعیت‌ها به تصویر کشیده شده است؛ زیرا امام می‌فرمایند: «کتاب الله علی اربعة اشياء: العبارة و الاشارة و اللطائف و الحقائق»^{۳۱} کتاب خداوند بر چهار قسم است عبارت، اشارات، لطائف و حقائق.

امام بسته به موقعیت شنونده و فضای حاکم در تفسیر خویش یکی از این اقسام را بیان می‌کنند که مقصود ما از تأویل همان حقایق خارجی است.

الف) از امام صادق علیه السلام ذیل ﴿أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ﴾ (انعام: ۱۲۲) روایت شده:

«المعنى او من كان ميتاً عنا فاحييناه بنا و جعلناه اماماً يهدى بنور الاجابه و يرجح اليه الضلال»^{۳۲}

هر کس از شناخت ما محروم باشد (مرده باشد) او را با خودمان زنده گردانیم و با نورمان هدایت کنیم و ضلالت و گمراهی از او روی برتابد»

ب) ذیل آیه ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ عَلَّمْنَا مَنَظِقَ الطَّيْرِ﴾ (نمل: ۱۶)

از امام صادق علیه السلام روایت شده که امام حسین علیه السلام فرمودند: «هرگاه لاشخور آواز می‌خواند و ندا می‌دهد می‌گوید: ای بنی آدم آن طور که می‌خواهی زندگی کن که آخر کارت مرگ است، هرگاه عقاب صدا می‌زند می‌گوید: راحتی در



دوری از مردم است، هرگاه چکاوک می خواند، می گوید: خدایا مبغضان آل محمد صلی الله علیه و آله را لعنت کن و هرگاه پرستو ندا می دهد، می گوید: «والحمد لله رب العالمین»^{۳۳}

(ج) ذیل آیه ﴿وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِينَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِينَةٍ﴾ (ابراهیم: ۲۶) روایت شده:

قال جعفر الصادق رضی الله عنه الشجره الخبیثه الشهوات و ارضها النفوس و ماءها الامل و اوراقها الكسل و ثمارها المعاصی و غایتها النار و یثبت الله الذین آمنوا بالقول الثابت فی الحیاء الدنیا و فی الآخرة، قال الصادق رضی الله عنه تشبیهتھم فی الحیاء الدنیا علی الایمان و فی الآخرة علی صدق جواب الرحمن.^{۳۴}

(د) از امام صادق علیه السلام روایت شده:

«النجم» یعنی محمداً صلی الله علیه و آله «و اذا هوی» اذا نزل من السماء لیلہ المعراج^{۳۵}
«نجم محمد صلی الله علیه و آله است و «اذا هوی» نزول ایشان از آسمان در شب معراج است.

(ه) امام صادق علیه السلام فرمود: درخت خبیث شهوات هستند و زمینش نفسها و آبش آرزوها و برگهایش تنبلی و میوه اش معصیت و آخر و نهایتش آتش است و خداوند کسانی را که ایمان آورده اند با سخن ثابت در دنیا و آخرت استوار می کند و نیز می فرماید: استواری و تثبیت آنها در دنیا با ایمان و در آخرت با صدق پاسخ خداوند است.

۵. ذیل آیه ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ﴾ از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند: به خدا قسم تاویل این آیه صدق نمی کند تا بیرون آید قائم مهدی علیه السلام. زمانی که ظاهر شود شرکی باقی نمی ماند.^{۳۶} و نیز ذیل آیه ﴿وَلَنذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ﴾ (سجده: ۲۲) از آن امام همام روایت

شده: «تأویل آن درباره خروج امام مهدی [عجل الله تعالی فرجه الشریف] با شمشیر است».^{۳۷}

در کلام امام صادق علیه السلام تأویلات بسیاری - بخصوص در مورد حضرت مهدی [عجل الله تعالی فرجه الشریف] - به چشم می‌خورد.^{۳۸} با تتبع در روایات امام صادق علیه السلام می‌توان روشهای دیگری مثل استفاده از وقایع تاریخی، استفاده از عقل، و ... را نیز مشاهده کرد.

۴. تفسیر قرآن با استفاده از مبانی علوم قرآنی امام صادق علیه السلام
با درنگ در روایات احادیثی می‌بینیم که امروزه آنها را علوم قرآنی می‌نامند. امام، گاه در کلام خویش به شأن نزول آیه اشاره می‌نمودند و گاه پرده از اجمال آیه‌ای برمی‌داشتند و آنجا که شرایط مهیا بود گوشه‌ای از اسرار حروف مقطعه را بر شنوندگان می‌گشایند، ما هم در این وجیزه به گوشه‌ای از آنها اشاره می‌کنیم.

۴-۱. تفسیر با استفاده از بیان شأن نزول و اسباب نزول

یکی از راههای فهم معنا و مقصود توجه به شرایطی است که کلام در آن صادر شده است، برخی از آیات قرآن در زمان و مکان خاص، به علت و سببی نازل شدند که آن را «سبب نزول» می‌نامند و آگاهی از «سبب نزول» به فهم قرآن کمک می‌کند. دسته‌ای از روایات امام به بیان شأن نزول و اسباب نزول آیه می‌پردازد که این روایات گاه به صورت مستقیم ذکر شده و گاه امام آن را با سند پدران خویش نقل می‌کنند.

الف) در کتاب «اسباب النزول» واحدی از امام صادق علیه السلام از پدرشان از جابر ذیل آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ﴾ روایت شده که رسول خدا



دستور دادند از خرماهای خوب زکات فطره بدهند و فردی خرمای پست زکات فطره داد، پس این آیه نازل شد.^{۳۹}

ب) ذیل آیه ﴿وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ﴾ (احزاب: ۲۵)

از امام صادق علیه السلام روایت شده که مراد از ﴿وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ﴾ به علی علیه السلام است؛ زیرا عمرو بن عبدود را کشت.

در تفسیر روح المعانی هم روایت شده که ابن ابی حاتم و ابن مردویه و ابن عساکر از ابن مسعود روایت کرده‌اند که «انه لقرا هذا الحرف و كفى الله المومنين القتال بعلی بن ابی طالب» سپس آلوسی می‌گوید در مجمع البیان این حدیث از ابی عبدالله روایت شده است.^{۴۰}

گفتنی است قرا در اینجا به معنی فسر است و روایت ابن مسعود از اضافات تفسیری به حساب می‌آید که روایت قندوزی در ینابیع و دیگران آن را تأیید می‌کند.

ج) ذیل آیه ﴿هُوَ الَّذِي أَيْدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ﴾ (انفال: ۶۳)

ابونعیم حافظ بسند خود از ابو هریره و از ابی صالح از ابن عباس و نیز از امام صادق در قول خداوند ﴿هُوَ الَّذِي أَيْدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ﴾ گفته‌اند: این آیه در شأن علی علیه السلام نازل شد و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بر عرش نوشته شده است «لا اله الا الله وحده لا شریک له محمد عبدی و رسولی ایدته و نصرته بعلی بن ایطالب» نیست معبود مگر خدا که یکتا است و شریک ندارد، محمد بنده و فرستاده من است؛ کمک و نصرت دادم او را به علی بن ایطالب.^{۴۱}

۴-۲. ترتیب نزول:

در مورد ترتیب نزول سوره‌های قرآن در روایات تفسیری اهل سنت فقط روایتی از امام صادق علیه السلام به چشم می‌خورد که شهرستانی آن را در تفسیر خود آورده است.

عدد سوره‌های قرآن (۱۱۴) و شمار آیات (۶۲۳۶) منسوب به حضرت علی علیه السلام است که این مطلب را شمار زیادی از علمای اهل سنت نقل نموده‌اند و از امام صادق روایت شده که «اول ما انزل الله تعالی علی رسوله بسم الله الرحمن الرحیم اقراره باسم ربك»^{۴۲} اولین چیزی که نازل شد ﴿بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِیْ خَلَقَ﴾ است و آخرین سوره‌ای که بر رسول خدا نازل شد سوره «نصر» است.^{۴۳}

شهرستانی جدول کاملی از روایت امام صادق علیه السلام در کنار روایت «مقاتل عن رجاله؛ مقاتل عن امیر المؤمنین، ابن عباس، ابن واقد» ارائه می‌دهد و با این کار به مقایسه آنها می‌پردازد.^{۴۴}

۴-۳. تفسیر از راه بیان مقاصد حروف مقطعه:

حروف مقطعه از اسرار خداوندی است که در ابتدای ۲۹ سوره قرآن قرار گرفته است، ائمه اطهار بسته به موقعیت حاصل شده برخی از جوانب این حروف را بیان می‌نمودند که دو روایت را می‌آوریم.

(الف) در تفسیر ثعلبی از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده:

طه: طهاره اهل بیت محمد ثم قراء ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللّٰهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾^{۴۵} طه: طهارت و پاکی اهل بیت محمد علیه السلام است و سپس ایشان آیه تطهیر را خواند.

(ب) در تفسیر قرطبی از امام محمد صادق ذیل «یس» روایت شده.



«انه اراد یا سید، مخاطبه لنبیه صلی الله علیه و آله» منظور خداوند یا سید بوده یعنی ای محمد صلی الله علیه و آله. قرطبی ذیل این قول از امام علی علیه السلام روایت می‌کند: رسول خدا در قرآن هفت اسم دارد، «محمد، احمد، طه، یس، المزمل، المدثر، عبدالله»^{۴۶}

«عن علی قال سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله يقول: ان الله تعالی اسماء فی القرآن سبع اسماء محمد، احمد، طه، یس، المزمل، المدثر، عبدالله»

۴-۴. تفسیر از راه بیان تقدیم و تأخیر:

در بین روایات امام صادق علیه السلام روایاتی به چشم می‌خورد که در آنها علت تقدیم و تأخیر آیات یا کلمات را بیان می‌کنند. به عنوان نمونه:

ذیل آیه ﴿فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ﴾ (فاطر: ۳۲) روایت شده:

قال جعفر بن محمد بن علی الصادق رضی الله عنه: قدم الظالم لیخبر انه لا یتقرب الیه الا بصرف رحمہ و کرمہ و ان الظالم لا یؤثر فی الاصفائیه اذا کانت ثم عنایه، ثم ثنی بالمقتصدین لانهم بین الخوف و الرجاء ثم ختم السابقین لثلاثا یامن احد مکرالله و کلهم فی الجنه بحرمة کلمه الاخلاص «لا اله الا الله محمد رسول الله»^{۴۷}

«ظالم مقدم شده است تا نشان دهد هیچ کس به خدا مقرب نمی‌شود مگر با رحمت و کرم خدا. اگر عنایتی نباشد ظالم از برگزیدگی طرفی نمی‌بندد، سپس میانه روها را ستوده چون آنها بین خوف و رجاء هستند و با سابقین ختم نموده تا نشان دهد هیچ کس ایمن نیست و تمام اینها در بهشت هستند به حرمت و احترام کلمه اخلاص «لا اله الا الله محمد رسول الله»

۵. تفسیر همراه با بیان مباحث کلامی

حفاظت از اعتقادات قرآنی و اسلامی یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های امام صادق علیه السلام است، بیان صفات باری تعالی، احتجاج به آیات قرآن در اثبات حقانیت اهل بیت، اثبات عصمت انبیاء علیهم السلام و حفاظت از حریم پاک آنها و ... از مواردی است که امام به بیان آنها همت گماشته است.

امام صادق علیه السلام برای آنکه مردم به حقیقت «الحمد لله» پی ببرند و والایی آن را اندکی بیابند در ضمن جریانی از پدر بزرگوارشان این معنا را این گونه به تصویر می‌کشند.

ابو نعیم در حلیه الاولیاء و بیهقی از امام صادق علیه السلام روایت کرده‌اند که ایشان گفت: پدرم مرکبش را گم کرد و گفت: اگر خداوند آن را برگرداند او را آنچنان که شایسته اوست حمد گویم، مدتی نگذشت که مرکب را با افسار و زین آن آوردند، پس بر آن سوار شد و چون بر آن استقرار یافت سرش را به آسمان بلند کرد و گفت: «الحمد لله» و چیزی اضافه نکرد. در این مورد مردم گفتند: ... امام فرمود: آیا گمان می‌کنید چیزی را ترک کرده‌ام یا چیزی باقی مانده است؟! حمد را کلمه خداوند عزوجل قرار دادم.^{۴۸}

این روایت می‌رساند که واقعیت «الحمد لله» چقدر والاست و اگر به عمق معنی ادا شود، آنگاه حمد خداست.

امام علیه السلام گاه برای روشن شدن ره گم کرده‌ها، آنها که نمی‌دانند خدا کجاست از آموزش عملی بهره می‌جوید تا بدانند خدا همه‌جا هست و نمی‌توان گفت در جای مخصوصی قرار دارد؛ زیرا خدا در مکان ننگجد و آنگاه که انسان «مضطرب» شود و آوای «امن یجیب» سر دهد از عمق وجود خدا را می‌یابد.



شخصی می‌خواست بداند خدا کجاست؟ حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: او را بگیرید. در آب افکندند او صدا می‌زد: یابن رسول الله، الغیاث، الغیاث» چون از همه نومید شد و وجودش همه در غرق شد و امید از خلاق منقطع کرد، این نوبت که آب او را برآورد، گفت: «الهی، الغیاث، الغیاث!» صادق علیه السلام گفت: او را برآوردند و ساعتی بگذاشتند تا باز قرار آمد. پس گفت: حق را بدیدی؟ گفت تا دست در غیر می‌زدم در حجاب می‌بودم، چون به کلی پناه بدو بردم و مضطر شدم روزنه‌ای در درون دلم گشاده شد. آنجا فرو نگرستم. آنچه می‌جستم، بدیدم و تا اضطرار نبود آن نبود که: ﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ﴾ صادق گفت تا «صادق» می‌گفتی، کاذب بودی، اکنون آن روزنه را نگاه‌دار که جهان خدای بدانجا است.^{۴۹}

شایان توجه است در میان روایات اهل بیت علیهم السلام و بخصوص امام صادق علیه السلام در احادیث تفسیری اهل سنت مسئله دفاع از حریم عصمت انبیاء علیهم السلام نمود بیشتری دارد به عنوان نمونه در جریان حضرت یوسف علیه السلام و زلیخا روایت شده:

از امام صادق نقل شده که چون یوسف با زلیخا وارد خانه شد، در خانه بتی بود که زلیخا شروع به پوشیدن آن بت نمود و گفت از آن شرم دارم و یوسف گفت: من مستحق ترم که از خدا شرم کنم، پس روی گرداند.^{۵۰}

در ذیل این جریان حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده که به جهت دیگری اشاره دارد.

قال جعفر بن محمد الصادق: «البرهان النبوه التي اودعها الله في صدره حالت بينه و بين ما يسخط الله عزوجل»^{۵۱}

از امام صادق روایت شده که «برهان رب» همان ودایع نبوتی بود که خداوند در سینه‌اش قرار داده بود و باعث غضب خداوند می‌شد.

مُظهري در تفسیر خود حدیث دوم امام صادق و روایت اول را از امام سجاد علیهما السلام نقل می‌کند و پس از سخن امام صادق می‌گوید: «وهنا اصوب الاقوال عندی»^{۵۲} این درست‌ترین قول نزد من است. اسفراینی هم در تاج التراجم این دو قول را نقل می‌کند با این تفاوت که ابتدا سخن امام سجاد علیه السلام را می‌آورد و سپس سخن امام صادق علیه السلام.^{۵۳}

امام، گاه در سخن خویش به دفاع از حریم ولایت و خاندان نبوت می‌پردازد و ضمن احتجاج به آیات قرآن مردم را به جایگاه این خاندان یادآور می‌شود.

در حدیثی از امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارشان از جابر نقل شده:

در این حدیث امام کلام را به قول رسول خدا مستند می‌کنند و می‌فرمایند: شخصی خدمت رسول خدا شرفیاب شد و خواست اسلام به او عرضه شود. حضرت فرمودند «شهادتین را بگو» شخص گفت: آیا اجری می‌خواهی، گفت: خیر مگر مودت به خویشاوندان، شخص پرسید خویشاوندم یا خویشاوندان شما؟ گفت صلی الله علیه و آله: خویشاوندان من، مرد گفت: آنها را بیاور تا بیعت کنم، پس لعنت خدا بر کسی که تو و خاندانت را دوست نداشته باشد، رسول الله فرمود آمین.^{۵۴}

۶. تفسیر همراه با بیان مباحث اخلاقی:

بی تردید یکی از خواسته‌های فطری انسان رسیدن به کمال است، این خواسته با آفرینش او سرشته شده است. خدا هم به مقتضای حکمت خود در طول تاریخ پیامبران و رسولانی به عنوان الگوی کامل فضائل و سجایای اخلاقی فرستاده است. انتخاب رسول خدا به عنوان «اسوه حسنه» بسیار حکیمانه و بر اساس حکمت بالغه الهی است؛ زیرا ایشان دارای خلق عظیم بود، پس از رسول خدا ائمه اهل بیت عهده دار ودایع



نبوت و هادی مردم شدند که نقش امام صادق علیه السلام در این میان به عنوان رئیس مکتب جعفری بی بدیل است.

ایشان با سنت فعلی و قولی خویش مردم را به سجایای اخلاقی دعوت می نمودند که در ذیل به برخی اشاره می کنیم.

الف) عن جعفر الصادق: «لیس لابدانکم ثمن الا الجنه فلا تبیعوها الا بها»^{۵۵} برای بدنهای شما بهایی جز بهشت نیست پس آن را به جز بهشت نفروشید.

ب) از امام صادق روایت شده که هر کس غم و اندوهی به او رسید این آیه را بخواند ﴿الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ... إِنَّكَ لَا تَخْلِفُ الْمِيعَادَ﴾^{۵۶}

ج) از امام صادق علیه السلام روایت شده که ای فرزند آدم چرا به چیزی که از دست داده ای تأسف می خوری حال آنکه مرگ آن را برایت نمی آورد و چرا به چیزی که داری خوشحالی حال آنکه با مرگ برایت باقی نمی ماند.^{۵۷}

د) قال جعفر الصادق «امر الله نبيه مكارم الاخلاق و ليس في القرآن آيه اجمع لمكارم الاخلاق من هذه الآيه «خذ العفو و امر بالمعروف و اعرض عن الجاهلین»^{۵۸} در این روایت امام جامع ترین آیه در مکارم اخلاق را «خذ العفو...» دانسته اند.

ح) عن جعفر الصادق: «من عظم حرمه الصديق ان جعله الله تعالى من الانس و النقه و الانبساط و رفع الحشمه بمنزله النفس و الاب و الاخ»^{۵۹} از بزرگی های حرمت دوست این است که خداوند او را در همنشینی، دوستی، گشاده رویی و رفع گرفتاری همچون خود انسان، پدر و برادرانش قرار داده است.

و) از امام صادق علیه السلام روایت شده:

«هرگاه از دوستت چیزی به تو رسید که باعث نگرانی تو شد پس اندوهگین مباش؛ زیرا اگر آن طور باشد که می گوید عقوبت بر او حلال است و اگر آن طور که می گویند نباشد حسنه ای است که انجام نداده است.»^{۶۰}

(ز) عن جعفر بن محمد علی بن حسین بن علی بن ابی طالب قال: الشکر المنعم علیک فانه لا نفاذ للنعم اذا شکرت و لا بقاء لها اذا کفرت و الشکر زیاده فی النعم و امان من البلاء»^{۶۱}

شکر نعمت و وظیفه توست و نعمت نه با شکر تو فانی می‌شود و نه باقی؛ اما شکر باعث زیادی نعمت و سلامتی تو از بلاست.

۷. تفسیر همراه با بیان احکام

شماری از روایت امام صادق علیه السلام در تفاسیر اهل سنت به احکام الهی اختصاص دارد، که دو گونه‌اند:

الف) روایاتی که نظر شیعه را در فقه تأیید می‌کنند. ب) روایاتی که نظر اهل سنت را تأیید می‌کنند که ما این گونه روایات را بر تقیه حمل می‌کنیم.

الف) از امام صادق علیه السلام سؤال شد چرا خداوند ربا را حرام نموده است؟ امام فرمود: «زیرا مردم معروف را مانع نشوند»^{۶۲}

ب) عن ابان بن تغلب عن جعفر بن محمد قال: «کانت فاطمه بنت رسول الله صلی الله علیه و آله تزور قبر حمزه بن عبدالمطلب کل جمعه و علمه بصخره».^{۶۳} فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله قبر حمزه را هر جمعه زیارت می‌کرد و آن را با سنگی نشان کرده بود. البته قرطبی این حدیث را نقل می‌کند و دلیل می‌آورد که گذاشتن سنگ بر روی قبر اشکالی ندارد.

ج) مظهري از امام صادق (جعفر بن محمد بن علی بن الحسین) در ثابت بودن سهم «مؤلفه» (مقداری از سهم صدقات برای کسانی که دل‌هایشان با اسلام الفت پیدا نموده) روایتی نقل نموده است.^{۶۴}



۸. تقیه در روایات امام صادق علیه السلام

امام صادق علیه السلام در برهه‌ای از حیات خویش به دلیل زندگی در شرایط خفقان، در جمع مراجعان خود به رعایت تقیه دست یازیده و از بیان نظر و فتوای حقیقی، خودداری کرده‌اند. تقیه را در دوران زندگی پربار این امام می‌توان به چهار نوع مشاهده کرد. تقیه سیاسی، تقیه کلامی، تقیه اجتماعی و تقیه فقهی.

منظور از تقیه سیاسی، تقیه امام در هنگام مواجهه با قدرت‌های حاکم و مراد از تقیه کلامی، تقیه در اعتقادات است که بارزترین مصداق آن مسئله ولایت است. مقصود از تقیه اجتماعی، تقیه در هنگام برخورد با عامه است که به کیفیت‌های مختلفی است و تقیه فقهی در موارد احکام است که معصوم حکمی را پنهان نموده یا خلاف آن را اظهار داشته است.

«من الصادق علیه السلام التقیه دینی و دین آبائی الا فی ثلاث: شرب المسکر، المسح علی الخفین و ترک الجهر بسم الله الرحمن الرحیم»^{۶۵} امام صادق علیه السلام فرمودند: تقیه دین من و دین پدرانم است مگر در سه مورد، نوشیدن شراب، مسح برپا (هنگام وضوع)، ترک بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحیم در نماز.

نقل است که جعفر صادق علیه السلام مدتی خلوت گزید و بیرون نیامد، سفیان ثوری به خانه وی آمد و گفت: مردمان از فواید تو محروم شده‌اند چرا عزلت گزیده‌ای؟ امام گفت:

«یا سفیان، فسد الزمان و تغیر الاخوان فرایت الانفراد اسکن للفواد، ثم قال ذهب الوفاء ذهاب امس الذاهب و الناس بین مخایل و مارب یفشون بینهم الموده و الصفا و قلوبهم محشوء بعقارب»^{۶۶} ای سفیان زمان فاسد شده و دوستان تغییر کرده‌اند. پس دیدم که تنهایی برای قلب بهتر است. وفا از میان مردم رخت بر بسته و مردم دچار فریب و نیرنگ شده‌اند، دوستی و صفا از میان رفته و قلبهای آنها آکنده از نیرنگ است.

امام در چنین شرایطی - حتی در لباس پوشیدن خود- هم احتیاط می‌کند و در جواب سائل که ای امام چرا لباس گرانباه پوشیده‌ای؟ دست او را گرفته و در آستین کشید، پلاسی پوشیده بود به غایت خشن و فرمود: امروز زمان خرابی است، مردم بنده تحولات زمانند.^{۶۷}

این را می‌توان نمونه‌ای از تقیه اجتماعی امام دانست. بر این اساس، هنگام مطالعه در روایات ائمه اطهار این مسئله را نباید نادیده گرفت گه گاه شرایط باعث می‌شد که امامان اهل بیت تقیه کنند و حکم واقعی را آنطور که هست بیان نکنند.

نتیجه

با توجه به مطالب بیان شده می‌توان گونه‌های روایات امام صادق علیه السلام در منابع اهل سنت را به شرح ذیل دانست:

- امام صادق علیه السلام در مقام معرفی، قرآن را زیباترین، فصیح‌ترین و بلیغ‌ترین گفتارها و هدایت محمد صلی الله علیه و آله را بهترین هدایت معرفی نموده تا رهپویان حقیقت، کتاب آسمانی و دین خود را بشناسند.

- امام به روش‌های گوناگون به تفسیر قرآن دست یازیده‌اند: گاه معنی آیه با بیان کلمه- ای روشن می‌شود که امام به تفسیر واژه‌ای بسنده نموده، زمانی امام پرده از باطن قرآن بر می‌دارد، در پاره‌ای از موارد با جری و تطبیق و ... آیات را تفسیر می‌نمایند.

- از جمله مباحثی که غالباً مفسرین اهل سنت نظر امام صادق علیه السلام را بر سایر نظرات ترجیح داده‌اند، عصمت انبیاء الهی است.



-فزونى روایات امام صادق علیه السلام در میان روایات تفسیری اهل سنت، نشان دهنده جایگاه والا و عظمت وجودی ایشان، در زمان حیات گوهر بار خویش است به طوری که علماء اهل سنت هم روایات این امام همام را به وفور نقل نموده‌اند.

-امام صادق علیه السلام هم در گفتار و هم در عمل مردم را به سوى نور محمدی رهنمون می‌کردند و از هر فرصتی در جهت اعتلای قرآن و بیان فرازمندی جایگاه عترت استفاده می‌نمودند.

- به خاطر وجود خفقان و جو حاکم گاه در تقیه به سر می‌بردند، بر پویندگان حقیقت است که هنگام مطالعه روایات ایشان - بخصوص اگر راوی عامی مذهب باشد- این مسئله را مد نظر داشته باشند که ممکن است جهت صدور روایت تقیه باشد. -با نگاهی دقیق‌تر به این روایات می‌توان تأثیر آنها را بر اندیشه دانشمندان اهل سنت مشاهده کرد.

پی نوشت‌ها:

۱. الهیتمی، احمد بن حجر، الصواعق المحرقة، ص ۱۵۱.
۲. اسفراینی، تفسیر تاج التراجم، ۴۷/۱ (ذیل سوره حمد). او در توضیح جمله به حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله استناد می‌کند و آن را مفصل توضیح می‌دهد.
۳. الصنعانی، عبدالرزاق بن همام، تفسیر عبدالرزاق، ۹/۱؛ جفری، آرتور، مقدمتان فی علوم القرآن، ص ۶؛ ابن عطیه، ابی محمد عبدالحق، تفسیر محرر الوجیز (محرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز)، مقدمه.
۴. شهرستانی، عبدالکریم، تفسیر مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار، ۲۲۶/۱ (قد قال الصادق).
۵. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، فضائل القرآن، ۵۱۱/۷؛ حلیه الاولیاء ص ۱۸۵ در ادامه می‌گوید: «هذا حدیث صحیح ثابت».
۶. ثعلبی، ابی اسحاق احمد بن ابراهیم نیشابوری، تفسیر الکشف و البیان (تفسیر ثعلبی)، ذیل آیه ۱۰۳: آل عمران؛ الشبلنجی، نور الابصار ص ۱۰۱؛ الهیتمی، احمد بن حجر، الصواعق المحرقة، ص ۹۰.
۷. القندوزی الحنفی، ابراهیم، ینابیع الموده لذوی القربی، ۲۳۱/۱ باب ۲۶؛ و تحقیق سید علی جمال اشرف ۲۹۷/۱؛ و در منابع شیعه کمال الدین ۶۶۷/۲ باب ۸۵ حدیث ۹؛ بحرانی، سید هاشم، غایه المرام، ۲۳۵ باب ۳۱ حدیث ۶.

۸. شهرستانی، عبدالکریم، تفسیر مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار، ۱۹۸/۱؛ نسخه خطی ۲۶؛ این حدیث در بحار الانوار ۲۶۱/۲۵ باب نفی غلو.
۹. شهرستانی، عبدالکریم، تفسیر مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار، ۱۹۷/۱.
۱۰. همان، ۱۸۷/۱.
۱۱. ر. ک: رضایی اصفهانی، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، ص ۲۲؛ ابو طبره، المنهج الاثری، ص ۲۴؛ سبحانی، المناهج التفسیریة، ص ۷۳؛ بابایی، روش شناسی تفسیر قرآن، ص ۱۷.
۱۲. رستمی، آسیب شناسی و روش شناسی تفسیر معصومان، ص ۱۸۹.
۱۳. آلوسی، ابی الفضل شهاب الدین السید محمد، تفسیر روح المعانی، ۷۴/۱۴؛ السیوطی، جلال الدین عبدالرحمان، تفسیر الدر المنثور فی التفسیر المأثور، ۹۰/۵؛ حلیه الاولیاء ص ۱۹۲/۱؛ نمونه‌های دیگر از تفسیر واژه‌ای: ر. ک: القرطبی، تفسیر قرطبی (الجامع لاحکام القرآن)، ۱۶۹/۱۷؛ مظهری، القاضی محمد ثناء الله، تفسیر مظهری، ۲۵۷/۸ (واژه لطیف)؛ آلوسی، ابی الفضل شهاب الدین السید محمد، تفسیر روح المعانی، ۷۸/۱۴؛ ابن عطیه، ابی محمد عبدالحق، تفسیر محرر الوجیز (محرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز)، ۶۵/۱. منالهایی از تفسیر واژه‌ای امام در منابع شیعه: بحار الانوار ۴۲/۱۰۳؛ (واژه صحت)؛ تفسیر عیاشی ۲۶۲/۲ (واژه واصب)؛ بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، ۱۶/۳ (واژه نبی و رسول)؛ بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، ۹۴/۱ (واژه صبر)؛ شیخ صدوق (ابن بابویه)، من لا یحضر الفقیه، ۱۶۴/۲ (واژه صبر)؛ فیض کاشانی، محمد بن مرتضی، تفسیر صافی، ۹۸/۱ (واژه قوه)؛ شیخ صدوق (ابن بابویه)، معانی الاخبار، ۴۱۳/۱ (واژه صیغه).
۱۴. سبحانی، مناهج التفسیریة، ص ۱۵۳؛ سیفی، درس تمهیدیة فی القواعد التفسیریة، ص ۱۰۸.
۱۵. شاطبی، الموافقات، ج ۴ ص ۴؛ مودب، روش‌های تفسیر قرآن، ص ۱۸۲.
۱۶. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ص ۳۱۷ حدیث ۳۱۸؛ القندوزی الحنفی، ابراهیم، ینابیع الموده لذوی القربی، باب ۳۵ ص ۲۵۶.
۱۷. حسکانی، عبدالله بن احمد، شواهد التنزیل، ۳۸۴/۱؛ نمونه‌های دیگر: السیوطی، جلال الدین عبدالرحمان، تفسیر الدر المنثور فی التفسیر المأثور، ۱۹۳/۳ و ۱۸۰/۲؛ مظهری، القاضی محمد ثناء الله، تفسیر مظهری، ۱۰۹/۷؛ القرطبی، تفسیر قرطبی (الجامع لاحکام القرآن)، ۱۶۶/۱۳.
۱۸. مودب، سید رضا، روش‌های تفسیر قرآن، ص ۱۷۳؛ جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۱، ص ۶۱؛ علوی مهر، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، ص ۶۸؛ ابن تیمیه، مقدمه فی اصول التفسیر، ص ۹۳.
۱۹. السیوطی، جلال الدین عبدالرحمان، تفسیر الدر المنثور فی التفسیر المأثور، ۱۹۳/۳ ذیل انعام ۸۴-۸۸ («ان رجلاً سال علیاً عن الّهٰدی، مم هو؟ قال من الثمانیه الأزواج...»).
۲۰. السیوطی، جلال الدین عبدالرحمان، تفسیر الدر المنثور فی التفسیر المأثور، ۱۸/۵ (ذیل ابراهیم/۷)؛ سبط ابن جوزی، تذکره الخواص، ۴۴۲/۲؛ حلیه الاولیاء ۱۹۳/۲؛ صفه الصفوه، ۱۶۸/۲ رقم ۱۸۶؛ سیر اعلام النبلاء



- ۲۶۱/۶؛ رقم ۱۱۷؛ الفصول المهمه ۲/۲۲۳؛ ابن حمدون، محمد بن الحسن بن محمد بن علی، التذکره الحمدونیه، ۱۱۴/۱ رقم ۲۲۱؛ محاضرات الادب، ۴۶۷/۲.
۲۱. عطار نیشابوری، فرید الدین، تذکره الاولیاء، ۱۴-۱۵.
۲۲. قرشی، قاموس قرآن، ج ۲، ص ۳۰.
۲۳. میر باقری، ظاهر قرآن و باطن قرآن، ص ۲۳۶؛ شاکر، روش‌های تأویل قرآن، ص ۱۴۹.
۲۴. حسکانی، عبدالله بن احمد، شواهد التنزیل، ۴۳۱/۱.
۲۵. ابن جریر طبری، تفسیر طبری (جامع البیان فی تأویل ای القرآن)، جلد ۷ جزء ۱۱ ص ۷۱.
۲۶. آلوسی، ابی الفضل شهاب الدین السید محمد، تفسیر روح المعانی، ۱۹۶/۲۴.
۲۷. الکشف و البیان ذیل آیه آل عمران: ۱۰۳؛ القندوزی الحنفی، ابراهیم، ینابیع الموده لذوی القربی، باب ۵۸ ص ۱۹؛ الهیتمی، احمد بن حجر، الصواعق المحرقة، ص ۱۵۱؛ نور الابصار ۲۲۶.
۲۸. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ۱۵/۳؛ القندوزی الحنفی، ابراهیم، ینابیع الموده لذوی القربی، باب ۳۸ ص ۲۶۷ و نمونه‌هایی دیگر از ابن شیوه: حسکانی، عبدالله بن احمد، شواهد التنزیل، ۲۶۴/۲-۲۶۶؛ القندوزی الحنفی، ابراهیم، ینابیع الموده لذوی القربی، باب ۲۸ ص ۲۳۵؛ فتح القدر شوکانی ۱۴۰/۲ ذیل انعام/ ۵۹؛ القرطبی، تفسیر قرطبی (الجامع لاحکام القرآن)، ۹۰/۲۰ (ضحی: ۱) و ۱۱۱/۱ (شعراء: ۸۰؛ فراند السمطین ۱۳۶/۱ (نمل: ۸۹)، تفسیر ابن کثیر، ۱۹۸/۳ (نمل: ۸۹-۹۰)؛ السیوطی، جلال الدین عبدالرحمان، تفسیر الدر المنثور فی التفسیر المأثور، ۱۸۰/۲؛ آلوسی، ابی الفضل شهاب الدین السید محمد، تفسیر روح المعانی، ۱۹۵/۲۲.
۲۹. ابن ناقیا، عبدالله بن محمد، الجمال فی تشبیه القرآن، ص ۲۰۵.
۳۰. معانی القرآن (نحاس) ۵۴۵/۲؛ القرطبی، تفسیر قرطبی (الجامع لاحکام القرآن)، ۳۸۴/۹ این حدیث از امام باقر علیه السلام هم نقل شده است و نیز نور الثقلین ۵۵۷/۲ (از امام صادق علیه السلام).
۳۱. شهرستانی، عبدالکریم، تفسیر مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار، ۲۰/۱ (تحقیق آذر شب) (قال جعفر بن محمد).
۳۲. آلوسی، ابی الفضل شهاب الدین السید محمد، تفسیر روح المعانی، ۲۴/۸.
۳۳. مظهری، القاضی محمد ثناء الله، تفسیر مظهری، ۱۰۹/۷؛ القرطبی، تفسیر قرطبی (الجامع لاحکام القرآن)، ۱۶۶/۱۲ (این حدیث را از امام حسن علیه السلام از رسول الله نقل می‌کند).
۳۴. آلوسی، ابی الفضل شهاب الدین السید محمد، تفسیر روح المعانی، ۲۳۹/۱۳.
۳۵. القندوزی الحنفی، ابراهیم، ینابیع الموده لذوی القربی، باب ۷۱ ص ۳۴۴-۳۴۵.
۳۶. آلوسی، ابی الفضل شهاب الدین السید محمد، تفسیر روح المعانی، ۱۳۵/۲۱ (عن جعفر بن محمد رضی الله عنه، خروج المهدي بالسيف).

۳۷. نمونه‌های دیگر از تأویلات، تفسیر شهرستانی ۱۹۸/۱؛ کنز العمال ۲۵۸/۱؛ حلیه الاولیاء، ۱۹۱/۱؛ مظہری، القاضی محمد ثناء الله، تفسیر مظہری، ۷۶/۹؛ (نجم: ۱)؛ القرطبی، تفسیر قرطبی (الجامع لاحکام القرآن)، ۱۴۰/۱ (ذیل بقره: ۹۷)
۳۸. الواحدی، ابوالحسن علی بن احمد، اسباب النزول، ص ۴۷۸ (امر النبی بزکاه الفطر بصاع من تمر)؛ السیوطی، جلال الدین عبدالرحمان، تفسیر الدر المنثور فی التفسیر المأثور، ۵۹/۲ (ذیل بقره: ۲۶۷).
۳۹. آلوسی، ابی الفضل شهاب الدین السید محمد، تفسیر روح المعانی، ۱۷۵/۲۱ و ۱۵۶/۲۱؛ القندوزی الحنفی، ابراهیم، ینابیع الموده لذوی القربی، باب ۲۳ ص ۲۲۱؛ السیوطی، جلال الدین عبدالرحمان، تفسیر الدر المنثور فی التفسیر المأثور، ۱۹۲/۵ و ۳۱۹/۲؛ حسکانی، عبدالله بن احمد، شواهد التنزیل، ۵/۲ حدیث ۶۳۴؛ و در منابع شیعه: بحرانی، سید هاشم، غایه المرام، باب ۱۷۰ حدیث ۱ و ۲ ص ۴۲۰؛ قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ۱۸۳/۲، الاربیلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ۴۳۶/۱.
۴۰. حسکانی، عبدالله بن احمد، شواهد التنزیل، ۲۲۳/۱ حدیث ۲۹۹ و ۲۲۴/۱ حدیث ۳۰۰؛ خصائص الوحی، ۱۷۸ حدیث ۱۳۲؛ کفایه الطالب، ۲۳۴ باب ۶۲؛ ترجمه الامام علی (ابن عساکر)، ۴۱۸/۲ حدیث ۹۳۴؛ القندوزی الحنفی، ابراهیم، ینابیع الموده لذوی القربی، باب ۲۳ ص ۲۲۲.
۴۱. حلیه الاولیاء، ۶۱/۱-۸۷؛ تاریخ طبری ۸۳/۶، تاریخ ابن اثیر ضمن حوادث سال ۶۰؛ البدء و التاریخ ۷۳/۵؛ صفه الصفوه، ۱۱۹/۱-۱۴۴؛ تفسیر شهرستانی، ۱۶۰/۱.
۴۲. شهرستانی، عبدالکریم، تفسیر مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار، ۱۱۱/۱.
۴۳. همان ۱۱۲/۱ (این روایت در «عیون الاخبار» از امام رضا علیه السلام نقل شده است ۶/۲، شهرستانی، عبدالکریم، تفسیر مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار، ۱۱۲/۱ در روایت امام» اقرء، ن، والضحی، المزمّل در ابتدا و «النصر، العادیات، الفلق، الناس» در آخر قرار دارند.
۴۴. ثعلبی، ابی اسحاق احمد بن ابراهیم نیشابوری، تفسیر الکشف و البیان (تفسیر ثعلبی)، ذیل (طه: ۱).
۴۵. ثعلبی، ابی اسحاق احمد بن ابراهیم نیشابوری، تفسیر الکشف و البیان (تفسیر ثعلبی)، ذیل (طه: ۱).
۴۶. القرطبی، تفسیر قرطبی (الجامع لاحکام القرآن)، ۵/۱۵.
۴۷. تفسیر المنیر، ۱۲۵/۲۳ (دار الفکر).
۴۸. السیوطی، جلال الدین عبدالرحمان، تفسیر الدر المنثور فی التفسیر المأثور، ۳۳/۱ (دارالفکر).
۴۹. عطار نیشابوری، فرید الدین، تذکره الاولیاء، ص ۱۴-۱۵.
۵۰. السیوطی، جلال الدین عبدالرحمان، تفسیر الدر المنثور فی التفسیر المأثور، ۵۲۱/۴؛ حلیه الاولیاء ۱۹۸/۱؛ برخی از مفسرین اهل سنت شبیه همین حدیث را به طور کاملتر از امام علی علیه السلام نقل نموده اند: القرطبی، تفسیر قرطبی (الجامع لاحکام القرآن)، ۱۶۹/۹ (در ادامه می گوید «هذا احسن ما قيل فيه»؛ آلوسی، ابی الفضل شهاب الدین السید محمد، تفسیر روح المعانی، ۲۱۴/۱۲ (این حدیث را از امام باقر علیه السلام هم نقل می کند):



فتح القدیر، ۲۴/۳؛ السیوطی، جلال الدین عبدالرحمان، تفسیر الدر المنثور فی التفسیر المأثور، ۵۲۱/۴ (از امام سجاد هم نقل نموده است).

۵۱. البغوی، ابو محمد الحسین بن مسعود الفراء، تفسیر بغوی (معالم التنزیل)، ۳۵۴/۲.

۵۲. مظهری، القاضی محمد ثناء الله، تفسیر مظهری، ۲۴/۵.

۵۳. اسفرائینی، تفسیر تاج التراجم، ۱۰۶۷/۳ ذیل یوسف: ۲۲.

۵۴. حلیه الاولیاء، ۲۰۱/۴.

۵۵. المرغی، احمد المصطفی، تفسیر مراغی (تفسیر القرآن)، ۳۳/۱۱ ذیل توبه: ۱۱.

۵۶. القرطبی، تفسیر قرطبی (الجامع لاحکام القرآن)، ۳۱۸/۴ ذیل آل عمران / ۱۹۵ (قال جعفر الصادق)

۵۷. مظهری، القاضی محمد ثناء الله، تفسیر مظهری، ۱۸۴/۹ (ذیل آیه: لکیلا تأسوا علی ما فاتکم)

۵۸. البغوی، ابو محمد الحسین بن مسعود الفراء، تفسیر بغوی (معالم التنزیل)، ۱۸۸/۲.

۵۹. آلوسی، ابی الفضل شهاب الدین السید محمد، تفسیر روح المعانی، ۲۲۰/۱۸.

۶۰. السیوطی، جلال الدین عبدالرحمان، تفسیر الدر المنثور فی التفسیر المأثور، ۱۱۳/۳ ذیل مائده: ۶۴.

۶۱. همان ۳۷۴/۱؛ نمونه‌هایی: دیگر از روایات اخلاقی:

القرطبی، تفسیر قرطبی (الجامع لاحکام القرآن)، ۹۱/۱ (ذیل حدید: ۲۳)؛ تفسیر فتح البیان، علامه سید حسن خان

حنفی ۲۳۸/۹؛ آلوسی، ابی الفضل شهاب الدین السید محمد، تفسیر روح المعانی، ۱۶/۲۱ و ۱۶۴/۲۰؛ علامه نبهانی،

سعاده الدارین، ص ۶۸؛ مظهری، القاضی محمد ثناء الله، تفسیر مظهری، ۳۵/۲؛ اسفرائینی، تفسیر تاج التراجم،

۲۲۵/۱ ذیل بقره: ۲۱۲.

۶۲. حلیه الاولیاء، ص ۱۹۶؛ السیوطی، جلال الدین عبدالرحمان، تفسیر الدر المنثور فی التفسیر المأثور، ۱۰۵/۲

ذیل بقره: ۲۷۵؛ ابن عطیه، ابی محمد عبدالحق، تفسیر محرر الوجیز (محرر الوجیز فی تفسیر کتاب

العزیز)، ۳۷۲/۱.

۶۳. القرطبی، تفسیر قرطبی (الجامع لاحکام القرآن)، ۳۸۱/۱۰ ذیل کهف: ۳۱

۶۴. مظهری، القاضی محمد ثناء الله، تفسیر مظهری، ۲۱۳/۴، البغوی، ابو محمد الحسین بن مسعود الفراء، تفسیر

بغوی (معالم التنزیل)، ۲۵۷/۲ ذیل توبه: ۶۰ و نمونه‌های دیگر؛ ابن حزم، المحلی ۱۰۸/۷؛ آلوسی، ابی الفضل

شهاب الدین السید محمد، تفسیر روح المعانی، ۴۹/۶.

۶۵. شهرستانی، عبدالکریم، تفسیر مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار، ۲۰۹/۱ این خبر تشابه بسیاری با آن چیزی

دارد که در دعائم الاسلام، (۱۶۰/۱) و بحار الانوار، (۱۸۲/۸۲) نقل شده است.

۶۶. سبط ابن جوزی، تذکره الخواص، ۴۵۲/۲؛ المنتظم، ترجمه حوادث سنه ۱۴۸، ۱۱۱/۸؛ عطار نیشابوری، فرید

الدین، تذکره الاولیاء، ص ۱۲.

۶۷. حلیه الاولیاء، ۱۰۲/۲؛ عطار نیشابوری، فرید الدین، تذکره الاولیاء، ص ۱۲.

منابع:

قرآن کریم

۱. آلوسی، ابی الفضل شهاب الدین السید محمد، تفسیر روح المعانی، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی و دارالعمار.
۲. الاربیلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، تصحیح هاشم الرسول المحلاتی، بیروت، دارالکتب الاسلامی، ۱۴۰۱ ق.
۳. ابن البطریق، خصائص الوحی المبین، تحقیق الشیخ محمدباقر المحمودی، ایران، وزاره الارشاد الاسلامی، ۱۴۰۶ ق.
۴. ابن جریر طبری، تاریخ الامم و الملوک، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۳۸۷ ق.
۵. _____، تفسیر طبری (جامع البیان فی تأویل ای القرآن)، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶ ق.
۶. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، المنتظم، تحقیق محمد عبدالقادر عطاء، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲ ق.
۷. _____، صفه الصفوه، تحقیق محمد فاخوری، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶ ق.
۸. ابن حزم الاندلسی، ابو محمد علی بن احمد بن سعید، المحلی، تحقیق لجنه احیاء التراث، بیروت، دارالافتاح الجدیده.
۹. ابن حمدون، محمد بن الحسن بن محمد بن علی، التذکره الحمدونیه، تحقیق احساس عباس، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۶ م.
۱۰. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، طبع قم.
۱۱. ابن صباغ المالکی، نورالدین، الفصول المهمه فی معرفه الائمه، نجف، المطبعه الحیدریه.
۱۲. ابن عطیه، ابی محمد عبدالحق، تفسیر محرر الوجیز (محرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز)، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۲ م.
۱۳. ابن کنیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر ابن کنیر (تفسیر القرآن العزیز)، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۳ ق.
۱۴. _____، فضایل القرآن، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۳ ق.



۱۵. ابن ناقی، عبدالله بن محمد، الجمان فی تشبیه القرآن، تصحیح احمد مطلوب و خدیجه حدیثی، ترجمه سید علی میرلوحی، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۱۶. اسفراینی، تفسیر تاج التراجم، تهران، انتشارات علمی - فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۵ ش.
۱۷. اصفهانی، راغب، محاضرات الادباء، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۱۸. بحرانی، سید هاشم، غایه المرام، دار القاموس، بی تا.
۱۹. _____، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، دارالکتب العلمیه.
۲۰. البغوی، ابو محمد الحسین بن مسعود الفراء، تفسیر بغوی (معالم التنزیل)، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۴ ق، دارالفکر.
۲۱. ثعلبی، ابی اسحاق احمد بن ابراهیم نیشابوری، تفسیر الکشف و البیان (تفسیر ثعلبی)، دارالاحیاء التراث، ۱۴۲۲ ق.
۲۲. جفری، آرتور، مقدمتان فی علوم القرآن، طبع خانجی، ۱۳۷۲ ش.
۲۳. الجوینی، فرائد السمطین، مؤسسه المحمودی للطباعه و النشر.
۲۴. حسکانی، عبدالله بن احمد، شواهد التنزیل، تحقیق محمدباقر محمودی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۳ م.
۲۵. حویزی، عبدالعلی بن جمعه، تفسیر نورالتقلین، تحقیق سید هاشم رسول محلاتی، قم المطبعه العلمیه.
۲۶. رستمی، علی اکبر، آسیب شناسی و روش شناسی تفسیر معصومان علیهم السلام، چاپ حیدری، ۱۳۸۰ ش.
۲۷. ذهبی، ابو عبدالله بن احمد، سیر اعلام النبلاء، تحقیق شعیب ارنووط، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۶ ق.
۲۸. سبط ابن جوزی، تذکره الخواص، تحقیق حسین تقی زاده، بیروت، مؤسسه اهل بیت علیهم السلام.
۲۹. السیوطی، جلال الدین عبدالرحمان، تفسیر الدر المنثور فی التفسیر المأثور، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳ ق.

۳۰. الشبلنجی، موسی بن حسن بن مومن، نورالابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۳۱. الشوکانی، محمد بن علی، تفسیر فتح القدر، تحقیق یوسف الغوش، بیروت، دارالمعرفه.
۳۲. شهرستانی، عبدالکریم، تفسیر مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار، تحقیق آذرشب، شرکه النشر و احیاء الکتب، ۱۳۷۶ش.
۳۳. _____، عکس از روی نسخه خطی کتابخانه مجلس.
۳۴. شیخ صدوق (ابن بابویه)، عیون اخبارالرضا، ترجمه علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۴ش.
۳۵. _____، کمال الدین و تمام النعمه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۳ش.
۳۶. _____، معانی الاخبار، ترجمه عبدالعلی محمدی شاهرودی، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷ش.
۳۷. _____، من لایحضرالقیه، تصحیح سیدحسن خراسانی، قم، مؤسسه انصاریان، ۱۳۸۴ش.
۳۸. الصنعانی، عبدالرزاق بن همام، تفسیر عبدالرزاق، تحقیق محمود محمد عبده، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۳۹. الطبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، تفسیر مجمع البیان، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶ق.
۴۰. عاملی، شیخ حر، وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت، داراحیاء التراث.
۴۱. عطار نیشابوری، فرید الدین، تذکره الاولیاء، بر اساس نسخه نیکلسون، تهران، نشر علم، ۱۳۸۴ش.
۴۲. علوی مهر، حسین، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، انتشارات اسوه، ۱۳۸۱.
۴۳. عیاشی سمرقنی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، تحقیق سید هاشم رسول محلاتی، تهران، المکتبه العلمیه الاسلامیه.
۴۴. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی، تفسیر صافی، تهران، منشورات المکتبه الاسلامیه.



۴۵. القرطبی، تفسیر قرطبی (الجامع لاحکام القرآن)، بیروت، دارالکتب العربی، الطبعة الرابعة، ۱۴۲۲ق.
۴۶. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، بیروت، دار السور، الطبعة الاولى، ۱۴۱۱ ق.
۴۷. القندوزی الحنفی، ابراهیم، ینابیع س لذوی القربی، ترجمه سید مرتضی توسلیان، تهران، چاپخانه بزرگمهر.
۴۸. _____، تحقیق سید علی جمال اشرف الحسینی، دارالاسوه للطباعة ۱۴۲۲ق.
۴۹. متقی هندی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۵ ق.
۵۰. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ۱۴۰۳ق، مؤسسه الوفاء بیروت.
۵۱. محمودی، محمدباقر، ترجمه الامام امیرالمومنین من تاریخ دمشق لابن عساکر، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۳۹۸ق.
۵۲. المراغی، احمد المصطفی، تفسیر مراغی (تفسیر القرآن)، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۸م.
۵۳. مظهری، القاضی محمد ثناء الله، تفسیر مظهری، تحقیق احمد غروعنابه، بیروت، دارالاحیاء التراث، ۱۴۲۵ق.
۵۴. المقدسی، مطهر بن طاهر، البدء و التاریخ، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۷م.
۵۵. مؤدب، سید رضا، روشهای تفسیر قرآن، انتشارات اشراق، ۱۳۸۰.
۵۶. علامه نهبانی، سعاده الدارین، طبع قاهره.
۵۷. الواحدی، ابوالحسن علی بن احمد، اسباب النزول، بیروت، دارالکتب العلمیه، الطبعة الاولى، ۱۴۰۲ق.
۵۸. وهبه الزهیلی، تفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج، دمشق، دارالفکر، ۱۹۹۱م.
۵۹. الهیتمی، احمد بن حجر، الصواعق المحرقة، بیروت، دارالکتب العلمیه و چاپ با تحقیق عبدالوهاب عبداللطیف، مصر، مکتبه القاہره.
۶۰. یهومان، سید محمد حسن خان ملک، فتح البیان، مصر، طبع ولاق.